

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ | ۲۸ شعبان ۱۴۴۷

گزارش یک مهساگریندی

چیزی در تبریز تغییر کرده‌است. شهری که سال‌ها به عنوان شهر بدون گدا شناخته می‌شد، حالا با واقعیت تازه و تلخ تکدی‌گری روبه‌رو شده‌است. آرام آرام در چهارراه‌ها و کوچه‌ها، نشانه‌هایی از افرادی دیده می‌شود که قصه‌ای از نیاز را برای رهگذران زمزمه می‌کنند تا بلکه کمک‌ی از راه برسد.

■ ■ ■

روز گذشته، شهردار تبریز اعلام کرد که در آستانه سال نو و تعطیلات نوروزی، طرح ضربتی جمع‌آوری متکدیان از معابر شهر آغاز شده‌است، اما این اقدام پرسشی را پیش می‌آورد؛ اینکه آیا چنین طرحی می‌تواند ریشه مشکل را از اسباب درمان کند، یا تنها قرار است سروپوشی موقت روی این معضل اجتماعی بگذارد؟

■ **شهر بدون گدا**

در حافظه جمعی ایرانی‌ها، نام تبریز نه‌تنها با تاریخ و بازار و نهضت مشروطه گره خورده، بلکه لقب دیگر هم سال‌ها کنارش نشسته بود. لقبی که نه از دل یک شعار تبلیغاتی، بلکه از دل مقایسه‌ها و تجربه‌های واقعی بیرون آمد، یعنی «شهر بدون گدا». روز گاری، مسافرانی که از تهران یا مشهد می‌آمدند، در چهارراه‌های شلوغ تبریز می‌ایستادند و تعجب می‌کردند که چرا اینجا کسی شیشه ماشین را نمی‌زند تا پول طلب کند؟ یا چرا کودک دستفروش یا زن سالخورده‌ای با چادر گلدار کنار چراغ قرمز دیده نمی‌شود؟

این تصویر اما کم‌کم به روایت غالب تبدیل شد، روایتی که رسانه‌ها هم، آن را بازتاب دادند و شهر به آن خو گرفت و دیگر، تبریز به شهری معرفی شد که شاید فقیر داشته‌باشد، اما فقرش به خیابان نمی‌آید. اینکه نیازمند هست، اما دس‌ت دراز نمی‌کند. کمک هست، اما از مسیرهای سازمان‌یافته و رسمی می‌گذرد.

آنطور که فعالان اجتماعی بارها و بارها اعلام کرده‌اند، کمک مستقیم در خیابان، راه به جایی نمی‌برد و اصلاً چندان پذیرفته نیست. به همین دلیل، شبکه‌ای از هیئت‌ها، خیریه‌ها، صندوق‌های خنوادگی و گروه‌های محلی در تبریز، پیش از آنکه نیاز به چهاراه برسد، دست نیازمندان را می‌گرفتند، و همین اقدام، اجازه نمی‌داد تکدی‌گری به یک پدیده قابل مشاهده و عادی در سطح شهر تبدیل شود.

در کنار این ساختار حمایتی، نوعی فرهنگ شهری هم نقش داشت، فرهنگ که کار کردن را بر نشستن کنار خیابان ترجیح می‌داد. روایت مسلط این بود که «در تبریز کسی برای نان، دست دراز نمی‌کند». جمله‌ای

تحلیل علی رضایی‌نژاد

جنجال سیم کارت سفید و دوقطبی سازی دسترسی به فضای مجازی، خاموش شدن چراغ کار و کاسبی‌های آنلاین زیر سایه قطعی اینترنت، چالش‌های مراودات و زندگی روزمره در فضای مجازی و عقب ماندن از مسیر پرسرعت عصر ارتباطات، فضای مجازی، یکی از مسالن این روزهای کشور است؛ چالشی که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به دنبال داشته و حواشی آن را پر رنگ تر کرده‌است.

تا همین دو دهه پیش، نگاه به حاکمیت ملی مفهومی کم‌ابهام داشت: دولت قانون می‌گذاشت، نهادهای اجرا می‌کردند و رسانه‌ها – با همه اختلاف‌نظرها- درون این چارچوب عمل می‌کردند. امروز اما ورق برگشته‌است و بخشی از قدرت جهت‌دهی به افکار عمومی، بی‌سروصدا به بازیگرانی منتقل شده که نه منتخبدن، نه پاسخگو و نه تابع حقوق عمومی کشورها؛ پلنفرهای فراملی دیجیتال، به ویژه شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب، اکنون می‌توانند بدون هر گام اغراق آمیز و اظهار نظر صریح، بی‌توجه به اقدام در جهت صدور بیانیه سیاسی، بر مشروعیت، هویت و حتی امنیت روانی جوامع اثر بگذارند. برای کشورهایی که در معرض فشارهای بیرونی مستمر قرار دارند، این وضعیت نه صرفاً مسئله‌ای رسانه‌ای، بلکه مسئله‌ی یاحتی به بیان صریح‌تر تهدید حاکمیتی است.

گزارش ۲ زهرا چیدری

گواهی حذف سرخک و سرخجه کشور از سوی سازمان بهداشت جهانی تمدید شد.
جمهوری اسلامی ایران به همراه عمان و بحرین، تنها کشور‌های منطقه هستند که موفق به دریافت این گواهی معتبر بین‌المللی شده‌اند.
آرژن این گواهی هنگامی برایمان روشن می‌شود که بدانیم بسیاری از کشور‌های اروپایی و آمریکایی به دلیل شیوع دوباره بیماری سرخک گواهی‌شان حذف شده است.
همچنین س‌ادر حالی توانسته‌ایم این دو بیماری ویروسی را در کشور حذف کنیم که کشور‌های همسایه‌ای همچون افغانستان با این بیماری‌ها درگیرند و خطر انتقال سرخک و سرخجه از مرزهای این کشور به داخل کشورمان وجود دارد.
با وجود این، سیستم بهداشت و درمان کشورمان توانسته است این بیماری را کنترل و گواهی نامه سازمان جهانی بهداشت را دریافت کند.
■ ■ ■

پوشش واکسیناسیون همگانی از طریق شبکه‌های بهداشتی در سراسر کشور، یکی از برگ‌های برنده نظام سلامت کشور است که توانسته بیماری‌های واگیر را به خوبی کنترل کند و در این مسیر تأیید سازمان بهداشت جهانی را هم با خود همراه کرده‌است.

■ **سرخک و سرخجه بیماری‌های با ابتلا دارند**

سرخک و سرخجه دو بیماری ویروسی مسری هستند که از طریق قطرات تنفسی منتقل می‌شوند. سرخک یک بیماری ویروسی بسیار مسری است که توسط ویروس سرخک ایجاد می‌شود. این بیماری از طریق قطرات کوچک تنفسی منتشر شده هنگام سرفه یا عطسه فرد مبتلا

که به بخشی از برند اجتماعی شهر تبدیل شد.

اما این افسانه کم‌کم رنگ باخت. همان افسانه‌ای که زمانی از تلاقی شرایط اقتصادی، فرهنگی و مدیریت شهری شکل گرفته‌بود، به مرور زمان و با تزلزل بخشی از این توازن، آرام آرام به پایان رسید. حال دیگر، گدایانی در خیابان‌های تبریز دیده می‌شوند، گدایانی که کمتر کسی، عادت به حضورشان دارد.

■ **چهارراه‌هایی که تغییر کرده**

چراغ قرمز که می‌شود، شهر چند ثانیه‌ای مکث می‌کند. راننده‌ها به موبایل نگاه می‌کنند، مسافری از شیشه بیرون را تماشا می‌کند و برخلاف سال‌های قبل، گاهی دستی آرام به شیشه می‌خورد و پول طلب می‌کند. این تصویری است که دیدنش برای بسیاری از تبریزی‌ها تازگی دارد. کسبه‌بازار قدیمی می‌گویند در سال‌های اخیر، چهارراهی ناآشناتری در چهاراه‌هایده می‌شوند، چراکه بیشترشان غیربومی‌اند. آنها اشاره به کسانی دارند که از شهرهای کوچک و روستاها به مرکز استان آمده‌اند. مهاجرتی که همراه با امید به در آمد و زندگی بهتر انجام شده، اما وقتی

بازار کار کشش ندارد، بخشی از جمعیت در حاشیه شهر مستقر می‌شوند و این خود، آغاز ماجرای تکدی‌گری در تبریز شده‌است.

در کنار مهاجرت اما، فشارهای اقتصادی نیز بی تأثیر نبوده، افزایش هزینه مسکن، بالا رفتن مخارج روزمره و ناپایداری شغل‌های خرد، بخشی از طبقات کم‌درآمد را آسیب‌پذیر تر کرده‌است. آنچه امروز در چهارراه‌های دیده می‌شود، الزاماً «شد ناگهانی فقر» نیست، بلکه «اشکار شدن فقر پنهان» است، فقری که پیش‌تر در خانه‌ها و شبکه‌های حمایتی مهار می‌شد و اکنون به سطح خیابان آمده‌است. تغییر سبک زندگی هم سهم خود را دارد. شهر بزرگ‌تر شده، سرعت زندگی بالا رفته و پیوندهای سنتی محله‌ای کمرنگ‌تر شده‌اند. شبکه‌های همیاری محلی که زمانی پیش از رسیدن مشکل به خیابان مداخله می‌کردند، دیگر همان قدرت سابق را ندارند. شهر مدرن فرصت می‌دهد، اما تنهایی هم می‌آورد.

همه این عوامل کنار، آسیب‌زا شده‌است. در واقع،

■ **پلنفرم‌ها؛ از زیر ساخت تا تنظیم‌گر**

شرکت‌های بزرگ فناوری همواره بر «بی‌طرفی» تأکید می‌کنند و خود را صرفاً فراهم‌کننده زیر ساخت می‌دانند. با این‌حال، ادبیات نوین حکمرانی دیجیتال نشان می‌دهد که تصمیمات به‌ظاهر فنی –از طراحی الگوریتم تا سیاست‌های تعدیل محتوا– کارکرد تنظیم‌گری سیاسی پیدا کرده‌اند.

مطالعات Oxford Internet Institute، به‌روشنی نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها، با تعیین اینکه چه محتوایی دیده‌شود و چه روایتی به حاشیه رانده‌شود، عملاً نقشی را ایفا می‌کنند که در نظام‌های کلاسیک، ذیل قانون و نظارت عمومی قرار داشت.

■ **سیاست پنهان نمادها**

یکی از ظرف‌ترین اشکال این تنظیم‌گری، مداخله در قلمرو نمادهاست. در مقاطع حساس، روح‌نمادهایی غیر از پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران در ترندها و محتوای پر مخاطب شبکه X (توییتر سابق)، صرفاً «کنش خودجوش کاربران» نیست. در نظره‌های هویت ملی -از بندکت اندرسن تا آنتونی اسمیت- نمادها لنگرهای تخیل جمعی‌اند. جابه‌جایی نماد، حتی اگر غیررسمی و تدریجی باشد، تلاشی برای تغییر مرجع هویت است. تفاوت اینجاست: آنچه اگر از سوی دولت خارجی انجام‌شود، مداخله تلقی می‌شود، وقتی

معضل تکدی‌گری در شهر بی‌گدا!

در آستانه سال نو و تعطیلات نوروزی، طرح ضربتی جمع‌آوری متکدیان از معابر تبریز آغاز شده، اقدامی که بعید است این معضل را از پایه، حل و فصل کند



عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی

عکاس: سیدرضا حسینی